

بررسی تغییرات کمی اسانس گیاه دارویی زیره سیاه ایرانی جمع آوری شده از سه منطقه اقلیمی یزد- کرمان- گناباد

محمد جمال سحرخیز، حسن قربانی قوژدی، رضا امید بیگی

به ترتیب استادیار بخش علوم باغبانی دانشگاه شیراز، دانشجوی دکتری علوم باغبانی، دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، استاد گروه علوم باغبانی دانشگاه تربیت مدرس

زیره سیاه ایرانی (*Bunium persicum*-Boiss.) گیاهی علفی، کوچک و چند ساله است که از میوه‌های آن به عنوان بادشکن و هضم کننده غذا و همچنین به عنوان ادویه استفاده می‌شود. این گیاه در ارتفاعات کوه‌های مرکزی، جنوب شرق، شمال شرق و به خصوص اطراف کرمان، تهران، سمنان، خراسان، یزد و گناباد می‌روید. موقعیت جغرافیایی نقش بسیار مهمی را بر رشد، نمو و هم چنین میزان و کیفیت مواد موثره گیاهان دارویی دارا می‌باشد. در بررسی‌هایی که در مورد گیاهان دارویی یکسان کشت شده در مناطق مختلف جغرافیایی انجام گرفته است تفاوت‌های قابل توجه‌ای در میزان متابولیت‌های ثانویه که ناشی از مناطق مختلف رویش می‌باشد مشاهده شده است. در این پژوهش به منظور بررسی نقش اقلیم‌های مختلف بر کمیت اسانس گیاه دارویی زیره سیاه ایرانی، میوه‌های این گیاه از سه منطقه مختلف اقلیمی کرمان، یزد و گناباد جمع آوری شد. استخراج اسانس مربوط به نمونه‌ها به روش تقطیر با آب و بوسیله دستگاه کلونجر انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد که اقلیم‌های مختلف نقش قابل توجه‌ای را بر کمیت اسانس میوه زیره سیاه ایرانی دارا می‌باشند. به طوریکه حداکثر میزان اسانس این گیاه برابر با ۷/۵۲٪ بود و از میوه‌های جمع آوری شده از منطقه گناباد حاصل شد.

گیاهان دارویی - پوستر

راندمان اسانس میوه‌های جمع‌آوری شده از مناطق یزد و کرمان به ترتیب برابر با ۶ و ۳/۸ درصد بود. اختلاف مشاهده شده در راندمان اسانس زیره‌های جمع‌آوری شده در این سه منطقه نشان می‌دهد راندمان اسانس نمونه‌های جمع‌آوری شده از منطقه گناباد نسبت به منطقه کرمان به تقریب ۲ برابر و نسبت به منطقه یزد ۱/۲۵ برابر افزایش یافته است. ضمن اینکه راندمان اسانس میوه‌های جمع‌آوری شده از منطقه یزد نیز نسبت به کرمان ۱/۶ برابر بیشتر می‌باشد. نتایج این پژوهش ضمن نشان دادن اثر مهم اقلیم بر میزان اسانس زیره سیاه ایرانی، برتری نسبی زیره‌های جمع‌آوری شده از منطقه گناباد را نسبت به زیره یزد و به ویژه زیره کرمان نشان می‌دهد.